

بسم الله الرحمن الرحيم

ضرورت و برکات احیای تراث درسنامه ای حوزوی (مختصرات علمی)

گروه طلبگی تا اجتهاد (tt-ej.ir)

سخن نخست

در گذشته کسانی که در علمی خبره می شدند با استفاده از اشراف خود اقدام به مختصر نویسی در آن علم می نمودند. این مختصر نویسی ها عموماً برای فرزندان، اقوام و یا طلاب نوپا نوشته می شد و بعدها به مرور فراگیر شده به صورت متون درسی حوزه های علمیه در می آمد.

مختصرات شامل اساسی ترین مسائل علوم بودند که هر متعلمی ابتدا باید آنها را می آموخت. این متون از تفصیل و موشکافی خالی بودند. عموماً در آنها نظرات مشهور آورده می شد. در مواردی که نویسنده روی برخی نظرات اجتهادی خود پافشاری داشت آن را با نیش قلم در دل مختصر جای می داد.

از بزرگانی که در علوم حوزوی مختصر از خود به جای گذاشته اند می توان به شیخ بهائی، شیخ الرئیس بو علی سینا، جناب ملاصدرا، ملا عبدالقاهر جرجانی، ملا سعد الدین تفتازانی، ابن مالک آندلسی، ملا ابوالفتح عثمان بن جنی رحمهم الله نام برد که برای اقوام خود مختصر نوشته اند .

ضرورت توجه مجدد به مختصرات علمی

آنچه امروزه در حوزه های علمیه مغفول واقع شده است ارزش فوق العاده ی این مختصرات است. این نوشته ها به صورت چکیده، ساختاریافته و سرفصل وار، امهات مطالب یک علم را در کمترین عبارت ارائه نموده اند.

یقینا شیرینی شنیدن منطق از بزرگانی چون شیخ بهائی، ملاصدرا و بوعلی رحمهم الله ارزش آن را دارد که یک بار هم که شده این متون نموداری شده توسط هر یک از طلاب مرور شوند. حتی اگر طلاب دروس را در متون جدید هم یاد گرفته اند باز هم شایسته است برای یک بار هم که شده این تراث درس نامه ای دیده و در صورت توفیق به سرعت مباحثه شود تا طلاب از نکات نغز و کلیدی کارسازی شده توسط بزرگان در دل آنها محروم نشوند.

هنر امثال ملا سعد الدین تفتازانی که موجزترین متن منطقی را در حدود دو هزار کلمه ارائه داده است به هیچ وجه نباید مغفول واقع شود و کتاب تهذیب المنطق او که حاشیه ی ملاعبدالله بر آن سالها متن درسی حوزه ها بوده است حداقل یکبار باید توسط هر طلبه دیده شود.

از طرفی درس نامه نویسی در گذشته به شکل مختصرات یک کار فنی و تخصصی بوده است و می توان روی روش شناسی اسلوب این متون، کتابها و مقالات متعددی نوشت. در هر حال نباید این سبک بدیع و زحمات و تراث مهم از بین بروند. برای مقایسه ی این تراث با درس نامه های جدید بهتر است اول این درس نامه های مختصر قدیم به شکل امروزی بازآرایی و زیباسازی و ساختارسازی شوند و بعد با درس نامه های امروزی مقایسه شوند تا مقایسه عادلانه، پایاپای و جوانمردانه باشد نه این که نسخه ی خطی درهم و برهم و پرغلط و ساختارسازی نشده ی درسنامه های قدیم را با نسخه های چند رنگ و نموداری یا شبه نموداری و تمرین دار امروزه مقایسه شود. در گذشته به دلیل لزوم صرفه جویی در وقت استنساخ و کاغذ امکان نموداری نویسی و اتلاف فضا

در کاغذ مانند امروز مهیا نبوده است و به همین دلیل گاهی مثال زدن را هم که راحت ترین بخش تدریس است به عهده ی استاد می گذاشتند تا هم استاد بتواند بدون زیاد شدن بیهوده متن درسی به تعداد کافی با توجه به استعداد شاگرد مثال بزند و هم زحمت استنساخ برای شاگرد موجب دلزدگی او از متن نشود. هنر آن است که کسی منطق را در حدود دو هزار کلمه خلاصه کند که حدود نصف یک مقاله ی امروزی است. امروزه برای یک ادعای ساده در فضای علمی، حداقل باید یک مقاله نوشته شود تا این ادعا عرضه و در مجامع علمی طرح شود ولی در گذشته علما ادعاهای خود را با نیش قلم در میان شرح کتب دیگران جاسازی می کردند تا هم موجب تکبرشان نشود و هم فقط افرادی که سطح شان می رسد و موشکاف و کنجکاو و اهل مطالعه ی مفصل هستند ارزش ادعا را بفهمند و بتوانند آن را ارزیابی کنند و هر کسی متوجه نظرات خاص آنان نشود (البته این قضیه عموماً سرعت رشد علوم را که ناشی از تضارب آراء بود می گرفت و مطلوب نبود).

اهمیت اختصار در روایات شریفه

در روایت آمده است که به دنیال روح اصلی و محورهای کلی علوم باشید و از فروع و حاشیه ها و قالبهای بیانی مختلف تا می توانید اجتناب کنید:

قال أمير المؤمنين (عليه السلام):

خذوا من كل علم أرواحه و دعوا ظروفه فان العلم كثير و العمر قصير^۱

العلم أكثر من أن يحاط به فخذوا من كل شيء أحسنه^۲

من اشتغل بالفضول فاته من مهمه المأمول.^۳

من أحرز الأصل اكتفى به عن الفضل^۴

^۱ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص: ۹

^۲ عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص: ۵۴

^۳ غرر الحكم: ح ۸۶۳۳

^۴ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۵، ص: ۷

طرح درازه گویی و طویل نویسی به عنوان آفت کلام در روایات

از نبی اکرم صلوات الله علیه و آله نقل است^۵:

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: لعن الله الذين يشققون الكلام تشقيق الشعر.
عنه صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل لم يبعث نبيا إلامبلغا، وإن تشقيق الكلام والخطب من
الشیطان.

عنه صلى الله عليه وآله: عليكم بقلّة الكلام، ولا يستهويكم الشيطان؛ فإن تشقيق الكلام من شقاشق
الشیطان.

عنه صلى الله عليه وآله - لعبد الله بن رواحة - :كف عن السجع؛ فما اعطى عبد شيئا شرا من طلاقة
فى لسانه.

رسول الله صلى الله عليه وآله: ان موسى عليه السلام لقي الخضر عليه السلام، فقال: أوصنى. فقال
الخضر: يا طالب العلم، إن القائل أقل ملالة من المستمع، فلا تمل جلساءك إذا حدثتهم.

عنه صلى الله عليه وآله: ليس البيان كثرة الكلام، ولكن فصل فى ما يحب الله عز وجل.
أعلام الدين: رأى [النبى صلى الله عليه وآله] أعرابيا يتكلم فطول، فقال له: كم دون لسانك من
حجاب؟ فقال: شفتاى وأسنانى. فقال عليه السلام: فتتبت واقتصر؛ فإن الله تعالى يكره الانبعاث فى
الكلام، فنضر الله وجه امرئ أوجز فى كلامه، واقتصر على حاجته!

رسول الله صلى الله عليه وآله: إن أبغضكم إلى وأبعدكم منى مجلسا يوم القيامة الثرثارون،
والمتشدقون، والمتفهبون.

عنه صلى الله عليه وآله: ألا انبئكم بشراركم؟ هم الثرثارون المتشدقون.

عنه صلى الله عليه وآله: إن المتشدين فى النار^۶

عنه صلى الله عليه وآله: شرار امتى الذين غدوا فى النعيم؛ الذين يأكلون [ألوان] الطعام، ويلبسون
ألوان الثياب، ويتشدقون فى الكلام.

قدم رجلان من المشرق خطيبان على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله، فقاما فتكلما ثم قعدا، وقام

ثابت بن قيس خطيب رسول الله صلى الله عليه وآله فتكلم ثم قعد، فعجب الناس من كلامهم^۷.

فقام النبى صلى الله عليه وآله، فقال: يا أيها الناس! قولوا بقولكم، فإنما تشقيق الكلام من الشيطان.

^۵ حكمت نامه پیامبر اعظم «صلى الله عليه وآله وسلم»، ج ۷، ص: ۱۸۲ و ۱۸۵ و ۱۸۶

^۶ دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱۴، ص: ۵۶۰

^۷ مستند ابن حنبل: ج ۲ ص ۴۰۸ ح ۵۶۹۱

عن وائلة بن الأسقع: كنت فى أصحاب الصفة فلقد رأيتنا وما منا إنسان عليه ثوب تام، وأخذ العرق فى جلودنا طرفا من الغبار والوسخ، إذ خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وآله، فقال: لبيش فقراء المهاجرين. إذ أقبل رجل عليه شارة حسنة، فجعل النبى صلى الله عليه وآله لا يتكلم بكلام إلا كلفته نفسه يأتى بكلام يعلو كلام النبى صلى الله عليه وآله، فلما انصرف قال: إن الله لا يحب هذا وضربه يلوون ألسنتهم للناس لى البقرة لسانها بالمرعى، كذلك يلوى الله ألسنتهم ووجوههم فى النار.^٨

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل يبغض البليغ من الرجال الذى يتخلل بلسانه تخلل الباقرة بلسانها.

عنه صلى الله عليه وآله: لا تقوم الساعة حتى يخرج قوم يأكلون بألسنتهم كما يأكل البقر بألسنتها. عدة الداعى: فيما أوحى الله تعالى إلى داود عليه السلام: ... يا داود... لو رأيت الذين يأكلون الناس بألسنتهم، وقد بسطتها بسط الأديم وضربت نواحي ألسنتهم بمقامع من نار، ثم سلطت عليهم موبخا لهم يقول: يا أهل النار! هذا فلان السليط

رسول الله صلى الله عليه وآله: ليس البيان كثرة الكلام؛ ولكن فصل فيما يحب الله عز وجل ورسوله. وليس العى عى اللسان؛ ولكن قلة المعرفة بالحق.

عنه صلى الله عليه وآله: البيان من الله، والعى من الشيطان. وليس البيان كثرة الكلام؛ ولكن البيان الفصل فى الحق. وليس العى قلة الكلام؛ ولكن من سفه الحق.

عن أبى امامة: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان إذا بعث أميرا قال: أقصر الخطبة، وأقل الكلام. عن عمار بن ياسر: أمرنا رسول الله صلى الله عليه وآله بإقصار الخطب.

كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يطيل الموعظة يوم الجمعة، إنما هن كلمات يسيرات.^٩

از امير مومنان على عليه السلام نقل است:

أقبح من العى الزيادة على المنطق عن موضع الحاجة^{١٠}

أحمد من البلاغة الصمت حين لا ينبغى الكلام^{١١}

آفة الكلام الإطالة.^{١٢}

^٨ دانشنامه قرآن و حدیث، ج ١٤، ص: ٥٥٨

^٩ تبليغ بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ص: ٣١٧

^{١٠} غرر الحكم و درر الكلم، ص: ٢٠٨

^{١١} عيون الحكم و المواعظ (للبيهقي)، ص: ١٢٢

^{١٢} غرر الحكم و درر الكلم، ص: ٢٨٠

يستدل على نبل الرجل بقلة مقاله و على تفضله بكثرة احتمالاه.^{١٣}
جودة الكلام فى الاختصار.
الكلام كالدواء؛ قليله ينفع، و كثيره قاتل.^{١٤}
اختصر من كلامك ما استحسنته؛ فإنه بك أجمل، و على فضلك أدل.
خير الكلام ما لا يمل و لا يقل.
و احذفوا عنى فضولكم ، و اقصدوا قصد المعانى ، و إياكم و الإكثار فإن أموال المسلمين لا تحتمل
الإضرار.^{١٥}

طوبى لمن .. أنفق الفضل من ماله و أمسك الفضل من لسانه^{١٦}
إن كثيرا من الخطب من شقاشق الشيطان^{١٧}
از ساير ائمه عليهم السلام هم منقول است:
يا هشام ، من سلط ثلاثا على ثلاث فكأنما أعان هواه على هدم عقله، من
أظلم نور فكره بطول أمله
و محاطائف حكيمته بفضول كلامه
و أطفأ نور عبرته بشهوات نفسه
فكأنما أعان هواه على هدم عقله
...

ما تم عقل امرئ حتى يكون فيه خصال شتى...
و فضل ماله مبذول
و فضل قوله مكفوف^{١٨}

آفة العلماء عشرة أشياء:... والتكلف فى تزيين الكلام بزوائد الألفاظ.^{١٩}

^{١٣} غرر الحكم و درر الكلم، ص: ٨٠٠

^{١٤} تبليغ بر پایه قرآن، حديث و تاريخ، ص: ٣١٧

^{١٥} وسائل الشيعة، ج ١٧، ص: ٤٠٤

^{١٦} نهج البلاغة (للصبيحى صالح)، ص: ٤٩٠

^{١٧} شرح نهج البلاغة لابن أبى الحديد: ج ١٢ ص ١٣٥،

^{١٨} الكافى (ط - الإسلامية)، ج ١، ص: ١٧

^{١٩} مصباح الشريعة، ص: ٢٠

الإمام الصادق عليه السلام حين قيل له: ما البلاغة؟: من عرف شيئاً قل كلامه فيه. وإنما سمي البليغ؛ لأنه يبلغ حاجته بأهون سعيه.^{۲۰}

اهمیت اختصار در بیان بزرگان

درباره بهترین کلام برخی چنین گفته اند:

حضرت آیت الله یزدی می فرمایند:

زیاد کردن جملات و واژه‌ها و پر کردن صفحات، تحول نیست. بنده وقتی برخی نوشتجات را نگاه می‌کنم، می‌بینم مؤلف درباره یک مطلب جزئی دو صفحه روی آن بحث کرده، اما با واژگان جدید و در حقیقت با کلمات بازی کرده است، این کار علمی نیست. ممکن است برای یک فقیه یک بحث ادبی پیش بیاید که از پرداختن به آن چاره‌ای نداشته باشد که آن بحث دیگری است، اما در بحث علمی نباید با الفاظ بازی کرد، بلکه باید خلاصه و پوست‌کنده، جوهره بحث علمی را با ساده‌ترین زبان ممکن که برای مخاطبین قابل فهم باشد ارائه کرد.^{۲۱}

أحسن الكلام ما قلت ألفاظه، وكثرت معانيه، وخير الكلام ما شوق أوله إلى سماع آخره، و... إنما يستحق الكلام اسم البلاغة إذا سابق لفظه معناه، ومعناه لفظه، ولم يكن لفظه إلى سمعك أسبق من معناه إلى قلبك.^{۲۲}

مرحوم ملاصدرا در وظایف طلبه وظيفه پنجم را چنین می فرماید:

الوظيفة الخامسة: ان لا يدع طالب العلم فنا من العلوم المحمودة، و نوعاً من الانواع الا و نظر فيه نظراً يطلع على مقصده و غايته و يقف على مجامع مفصلاته، و جمل مسائله فان ساعده العمر طلب التبحر فيه، و الا اشتغل بالعلم الذي هو الاله فاستوفاه و اكتفى من البقية بطرف، و اياه و انكار شيء من العلوم المتعارفة فان ذلك منشؤه الجهل به كما قيل: الناس اعداء لما جهلوا، قال تعالى: و إذ لم يهتدوا به فسيقولون هذا إفك قديم (الاحقاف - ۱۱)،^{۲۳}

^{۲۰} تبلیغ بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ص: ۳۱۷

^{۲۱} در گفت‌وگویی با هفته نامه افق حوزه ۲۱ آذر ۹۶

^{۲۲} زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱، ص: ۴۲۷

^{۲۳} شرح أصول الكافي (صدرا)، ج ۲، ص: ۱۴۳

فواید مختصرات

۱. جذب نوآموزان به علوم

عبارت کمتر موجب ریختن ترس نوآموز و تازه وارد می شود و شوق او را برای یادگیری اصول یک علم در چند صفحه مختصر زیاد می کند.

۲. حرکت از اصول ارواح و شاخه های اصلی علوم به نکات حاشیه ای و فروع

باعث می شود که مطالب علم به صورت درختواره از اسکلت و تنه به سمت شاخه های بزرگ و سپس شاخه های کوچک در ذهن او جای گیرد که امروزه نیز در روشهای آموزشی بهترین سبک آموزش را تری چارتهای tree chart و تری دایاگرمها tree diagram می دانند و با عنوان نقشه ذهنی و درخت حافظه نیز از آنها یاد می شود (اینجا)

حضرت امام خامنه ای حفظه الله خطاب به طلاب توصیه فرمودند:

انسان با سرهم بندی، محقق نمی شود، با برف انبار کردن، انسان فقیه و فیلسوف نمی شود، باید

محکم، خشت خشت این پایه را روی هم بچینید و بروید تا به آن اوج برسید.^{۲۴}

۳. حفظ آسان مختصرات

یکی دیگر از نکات مهم در مورد این مختصرها اهمیت حفظ کردن آنها توسط کودکان مدرسه ای بوده است. پارسال که خدمت استاد میر هاشم حسینی حفظه الله اصول یک می خواندیم ایشان به شدت از این که بسیاری از طلاب حتی ساختار اصلی مباحث اصول را در ذهن خود ندارند شکایت

^{۲۴} بیانات در دیدار طلاب و اساتید مدرسه علمی آیت الله مجتهدی ۲۱/۰۳/۱۳۸۳

داشتند و ده ها بار روی تخته، ساختار اصلی علم اصول را برای ما رسم فرمودند تا در ذهن طلاب ملکه شود. این قضیه اختصاصی به اصول ندارد و در سایر علوم مثل صرف و نحو و منطق و بلاغت و فقه هم بسیاری طلاب نقشه ی ابواب اصلی مباحث را در حافظه ندارند. در گذشته ابتدا در قالب یک مختصر ابواب و نقشه مباحث علم مورد تعلیم، در ذهن نو آموز حک می شد و حتما توسط او حفظ می شد و سپس به مسائل و ریزه کاری های علم ورود می شد که امروزه متاسفانه جای این تجربه خالی است.

حفظ برای کودکان نابالغ جذابترین و بهترین نوع آموزش است. زیرا هنوز قدرت عقلی آنها رشد نیافته است تا بتواند خوب مطالب را تحلیل کنند. شما با تحفیظ مطالب برای او اندوخته ای ماندگار درست می کنید که عمری به کمک آن اندوخته مسائل را تحلیل می کند و روی آنها فکر می کند. البته در حفظ باید به مسلمات و قطعیات علم بسنده نمود تا مبادا مطلب غلطی در حافظه ی نوآموز ثبت گردد و موجب دردسر در آینده برایش شود.

خواجه نصیر الدین طوسی رحمه الله در مقدمه ی مختصر خود در هیئت می نویسد:

گمان چنان است که اگر این قدر ملکه کنند، بر تحصیل تمام آن علم قادر شوند. و با شروع در آنچه مبادی و براهین این فن باشد، گستاخ گردند {قوت قلب و اعتماد به نفس پیدا کنند در این علم برای پیشروی در متون آن} ۲۵

وی در مقدمه تجرید المنطق می نویسد:

و بعد فإننا أردنا أن نجرد أصول المنطق و مسائله علی الترتیب و نکسوها حلیتی الإیجاز و التهذیب تجریدا یتیسر للحافظ تکرارها و لا یتعسر علی الضابط تذکارها فجعلنا تلك الأصول مرتبة فی تسعة فصول.

خواجه عبدالله انصاری رحمت الله علیه نیز در مقدمه منازل السائرین می نویسد:

و اختصره؛ لیكون ألطف (دقیق تر) فی اللفظ و أخف (سبک تر) للحفظ.

ادهم خلخالی نیز می نویسد:

حسب الاستدعاء یکی از یاران دینی و دوستان یقینی مکتوب و مرقوم شده، تا آن عزیز را تبصره باشد و سایر عزیزان را تذکره. مضمون فوائد مشحون خیر الکلام ما قل و دل را منظور داشته، و از اطناب به ایجاز و از تطویل به اختصار فرار اختیار نموده، از دردسر ناظران و آزار خود اعراض و اغماض کرده، به طریق نقل و ترجمانی متصدی این بیان ناشی از عیان عارفان گشت. امید که قلیل اللفظ کثیر المعنی و صغیر الحجم کبیر الجدوی گردد. و الله یلقى الحکمة و التحقیق و یلهم الصواب و التذقیق، و هو ولی الإعانة و التوفیق.^{۲۶}

۴. برتری مختصر بر ارجوزه

در قدیم دو مدل درس نامه وجود داشت یکی مختصر نویسی و دیگری ارجوزه نویسی (شعر سرایی مطالب علوم). شعرها گاهی به علت تنگ آمدن قافیه به قدری سخت فهم می شدند که موجب اخلاص جدی در فرآیند آموزش می شدند ولی مختصرات خصوصا آنهایی که ساده تر نوشته شده بودند همواره مورد توجه و اقبال نوآموزان بوده اند.

۵. نزدیکی سبک علمی مختصرات به سبک قرآن کریم

سبک این متون قدیمی کارگذاشتن ظریف و دقیق نکات در دل مطالب است کما اینکه قرآن در دل داستانهایش همه نکات حکمی و اخلاقی و فقهی را کارگذاری نموده است. در قرآن کریم مطالب در کمترین عبارات با استفاده از ظرفیت ساختار ارائه شده است. (برای نمونه [اینجا](#) را ببینید). نکته ی دیگر آنکه قرآن کریم لایه لایه است و باید مکرر از اول تا آخر خوانده شود و هر بار لایه ی عمیق تری از آن فهم می شود. کتب حوزوی هم چنین سبکی را داشته اند و به دلیل انس علمای حوزوی با قرآن کریم، آنها سبک درسنامه های خود را به درس نامه ی حقیقی یعنی قرآن

کریم نزدیک نموده اند. یعنی این کتب نیز برای یک بار خوانده شدن تالیف نشده اند. و لذا نباید انتظار داشت که در اولین بار خواندن، همه ی آن را صد در صد فهمید. اصلاً این کتاب نوشته شده اند که با چند بار خوانش از اول تا آخر فهم شوند. برخی عام و خاص های این کتب ناظر به هم است و برخی مجمل و مبین ها نیز ناظر به هم است و باید در سیاتی ها و سیجی ها و کما تقدم ها و کما مرها دنبال آن گشت. در واقع نویسندگان متون حوزوی دنبال آن بوده اند که خواننده را برای درس گرفتن از قرآن و تعامل با قرآن به عنوان یک کتاب درسی که یک عمر باید خوانده شود آماده کنند و کاری کنند که خواننده از چند بار خواندن یک کتاب ملول نشود و با این مطلب انس بگیرد که می شود کتابی باشد که باید آن را مکرر خواند و هر بار نکات تازه ای از آن استخراج کرد. همچنین طلبه دنبال آن باشد که مطالب آن کتاب را با هم تفسیر کند یعنی همان مطلبی که امروز اسمش تفسیر قرآن با قرآن و روایت با روایت است.

قدیمی ها می گفتند کتاب درسی نباید آنقدر ساده باشد که هر کسی مدعی تدریس آن شود باید به گونه ای باشد که بشود یقه ی کسی که آن را درس نگرفته و توان تدریش را ندارد را گرفت و رموزی در آن باشد که اهل آن را از نا اهل جدا کند.

خداوند در قرآن رمز گذاشته است تا اهل از نا اهل و معلم از غیر معلم مشخص شود و مبین از غیر مبین معلوم شود ... مثل حروف مقطعه.

بالبينات و الزبر و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم و لعلمهم يتفكرون (النحل ۴۴)

و ما أنزلنا عليك الكتاب إلا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه و هدى و رحمة لقوم يؤمنون (النحل ۶۴)

در قرآن کریم رموزی کارگذاری شده است تا بشود یقه ی کسی که علم به حقایق آن ندارد و ادعای علم به آن دارد را گرفت. رمزگذاری در کتاب برای شناخت معلم حقیقی از دروغی یک کار حکیمانه است.

از طرفی متن عمیق باید لایه های عمیقی داشته باشد تا فرازمانی شود و متن مقدس نیز باید لایه لایه باشد و معانی به صورت طولی در آن جاسازی شود تا هیچکس خسته نشود، نمی شود هم لایه ها را عرضی گفت زیرا در آن صورت بسیاری از متن به درد عصر رسول الله نمی خورد و مردم آن عصر از خواندن آن خسته می شوند زیرا اگر کسی مطلبی را نفهمد از خواندن آن خسته و ملول می شود.

۶. آزاد گذاشتن ذهن طلبه برای تفکر و کنکاش

متن مختصر باعث تمرکز دانش آموز روی متن کوچک و یادگیری زودتر و سپردن آن به حافظه بلند مدت می شود، متون مفصل فعلی برای آموزش مناسب نیست و ماندگاری لازم را ندارد. از دیگر نکات مثبت این مختصرات می توان به زمینه سازی برای تمرکز و تقویت فرایند آموزش و همچنین زمینه سازی برای بازگذاشتن فضا برای تفکر ورزی دانش آموز و پر نکردن ذهن او با الفاظ و مثالها و استدلالها اشاره کرد.

اینکه در قدیم معماگونه می نوشتند برای این بود که کسی که اهل فکر کردن است مطلب گیرش بیاید و کسی که با فکر کردن رابطه ای ندارد خسته شود و کنار برود و کسانی که اهل حفظ کردن طوطی وار هستند خود به خود تصفیه شوند...

و هم اینکه کسانی که اهل فکر کردن هستند روز به روز قدرت تفکرشان پیشرفت کند...

۷. ایجاد فرصت برای تمرکز علما و تجمیع نظرات با حاشیه زنی بر یک متن محوری

نکته ی دیگری که در مورد این کتب مطرح است نقش محوری آنها در تجمیع اقوال و نظرات و ایجاد محور مشترک برای علوم است. نویسندگان این مختصرات با محورسازی برای علوم باعث می شدند تا امکان تبادل آراء و نظرات در مسئله های مختلف در ذیل یک متن مشترک فراهم شود و هر از گاهی با نوشتن مختصری جدید کل دستاوردهای یک علم در مختصر جدید ارائه می شد و یک جمع بندی و قبض جدید از علم صورت می گرفت و سپس در قالب شروح و حواشی زمینه

برای بسط جدید در علم فراهم می شد. و این قبض و بسطها به تنقیح و تهذیب و تکمیل علم در طول زمان منجر می شد.

اگر متن درسی مختصر باشد تمرکز علما روی آن بیشتر شده و تهذیب و نقد و استدلال یابی برای آن بیشتر می شود چون قدرت علمی و نیروی علما روی یک متن مختصر متمرکز می شود و هم متن قوی تر می شود به مرور زمان و هم کار اشکال گیری و نقد آن هم کار سخت تری می شود و ورزیدگی بیشتری می آورد و هر طلبه ی تازه کاری به خود جرئت نمی دهد با حتی یک واو از آن اشکال کند و بگوید اینجا فاء بهتر از واو بود.

۸. عظمت علمی نویسندگان مختصرات

باید صاحب متن و عظمت متن به قدری بزرگ باشد که هر شاگرد نوپا و استاد تازه کاری جرئت اشکال کردن به متن را نداشته باشد. این مطلب باعث می شود در ذهن متعلم عظمت شخص صاحب متن نهادینه شود و شور و انگیزه اش برای فراگیری بیشتر شود و اگر حتی استاد به متن اشکال کرد شاگرد در مقام دفاع برآید و در ذهنش عظمت آن بزرگ به راحتی مخدوش نشود. در دانشگاه های امروزه نیز این مطلب وجود دارد و سالهاست در فیزیک یک و دو و ریاضیات دانشگاهی که اولین و پایه ای ترین دروس علمی دانشگاهی در رشته های فنی مهندسی هستند فیزیک هالیدی و ریاضیات توماس تدریس می شود و تدریس آنها به قوی ترین اساتید هر دانشگاه سپرده می شود تا دانشجوی عظمت علمی آنان را حس کند و با خیل راحت از متن و ماتن به فراگیری علم بپردازد. دغدغه شاگرد در مورد متن موجب تخریب فرایند یادگیری است و شک به مطالب مثل خوره در جان او جلوی اعتقاد و اعتمادش به مطالب را می گیرد و مطالب در ذهن او تثبیت نمی شود.

متأسفانه یکی از مشکلات کنونی حوزه های علمیه کشور این است که به خاطر ارادت به بزرگان فعلی حوزه، از برخی کتب آنها که به عنوان کتاب درسی نوشته نشده است به عنوان کتاب درسی استفاده می شود در حالی که بحث آموزش و متن درسی به حدی حساس و دقیق است که اصلاً

جای این تعارفات و ارادت ها نیست و یقینا خود این بزرگواران هم که می دانند که کتبشان به عنوان درسنامه نوشته نشده است راضی نیستند که طلاب از کتب دقیق نویسی و درس نامه نویسی شده محروم شوند. متن درسی فوق العاده مهم است خصوصا در ابتدای راه تحصیل علوم و اصلا مناسب نیست کتبی که به صورت منبر گونه برای عموم مردم نوشته شده اند یا منبرهای پیاده شده و بازنویسی شده ی بزرگان هستند به عنوان متن درسی وارد حوزه شوند.

این رفتار ناروا باعث شده است که بسیاری به خاطر عظمت این بزرگان جرئت اعتراض به استفاده نابجا از کتب آنان را به خود ندهند ولی حقیقتا با این کار به برخی علوم چنان جفای بزرگی شده است که طلاب تصور می کنند فلان علم مهم مانند کلام و تفسیر و تاریخ صرفا پاره ای اطلاعات عمومی منبر گونه است در حالی که عقاید شالوده ی دین است و تفسیر ارتباط دین با محکمترین پایه ی خود یعنی قرآن کریم است و اصلا روا نیست این دروس این گونه مورد بی مهری قرار گیرند. باید از درس نامه های وثیق و تخصصی و کارشناسی شده که سالها محور این علوم بوده اند استفاده شود و در صورت نیاز به درس نامه جدید با همان شیوه ی سلف که از اسکلت به برگ بوده است حرکت شود و ابتدا طلاب با اسکلت علم در قالب عبارات موجز آشنا شوند و سپس کم کم به سمت شاخه ها و برگهای علم پیش روند و گرنه کشکولی و منبری با علوم برخورد کردن چیزی جز سر در گمی طلبه و سرخوردگی و دلزدگی او از آن علم عایدش نخواهد کرد.

۹. مختصرخواهی از بزرگان زمینه ای برای نگرفتن وقت آنان

درخواست نوشتن متون مفصل از بزرگان درخواست بزرگی است و وقت زیادی از این قطب های علم که وقت ششان فوق العاده عزیز و پر ارزش است می گیرد. اما نوشتن مختصر زمان زیادی نمی گیرد. همچنین خوب است که کتب درسی سطوح اولیه از اعظام علم باشد که خیال شاگرد و استاد از قوت علمی و دقت متن راحت باشد و نشود راحت به متون اشکال کرد. اشکال کردن به متن چیزی است که مثل خوره فرایند یادگیری را مخدوش می کند.

۱۰. امکان تقریر نویسی مختصرات

وقتی متن طویل و طولانی شد دیگر تقریر نویسی هم رنگ می بازد زیرا تقریر برای وقتی است که مطلب مجمل باشد و استاد و متن تنها چیدمان و ساختار اصلی محتوا را ارائه کنند و جا برای شرح و تفصیل باز باشد و گرنه متن طویل که نیازی به تقریر ندارد

۱۱. عدم وجود دعوای علمی در مختصرات

یک نکته دیگر مختصر نویسی این بود که روی سرفصل ها و مطالب اصلی و ریشه ای و چارچوب کلی علم، کسی با کسی دعوا نمی کرد و لذا به مختصرات نمی شد اشکال کرد. تا حد امکان محکمت و مشهورات در مختصرات ارائه می شد و لذا استاد مجبور نمی شد که کتاب را نقد کند و فرایند یادگیری را آسیب بزند. الان یک مشکل اساسی در کتب درسی حوزه اشکالات زیاد در کتاب هاست که استاد نه می تواند حرف نزند و نه می تواند حرف بزند و کار خیلی سخت شده است. قدیم جوری می نوشتند که فقط محکمت علم در مختصر بیاید و کسی حتی روی یک واو مختصر هم نتواند ان قلت کند تا کتاب فراگیر و همه کس خواه باشد و وارد جزئیات هم نمی شدند تا ذهن طلبه موش نشود و اساتید هم در صورت نیاز بتوانند در جزئیات نظرات اجتهادی خود را نیز تبیین کنند

۱۲. مختصر نویسی فرصتی برای تلخیص متون ارزشمند علمی ولی حجیم

بسیاری از مختصرات مانند تلخیص المفتاح خطیب قزوینی و مختصر النافع و ... در واقع خلاصه ای از یک متن مفصل هستند که بعدها به صورت کتاب درسی در آمده اند و این خود فرصتی برای قبض و بسط علوم و حذف زواید و حواشی و فروع بی کاربرد در قالب مختصرات است. قبض و بسط علم هم برای پیرایش علم از حرف های سست و ضعیف فرصتی بی نظیر است و هم در قبض ها برای تعلیم علم فرصتی عالی نصیب نوآموزان می شود.

۱۳. صرفه جویی در وقت کلاس

متن مختصر متن کوتاه است و فرصت تحلیل و توضیح کافی را در عین دقت فراوان روی متن به استاد می دهد ولی متن مفصل اولاً اگر استاد روی متن وقت بگذارد خیلی از وقت کلاس صرف متن می شود و ثانیاً فرصت نمی شود خوب متن تجزیه و تحلیل شود.... لذا برخی اساتید متن که طولانی می شود اصلاً متن را نمی خوانند و حال آنکه متن خوانی و عمیق شدن روی متن برای کسی که می خواهد در پایان به غواصی در عمق متون آیات و روایات بپردازد از اوجب واجبات است.

متن اگر طولانی شد استاد بنده خدا خسته می شود و کارش سر کلاس می شود متن خوانی آن هم بدون دقت و عمق یابی و آن هم به صورت خسته کننده و پر حجم و در آخر هم حجم زیادی از متون می ماند. طلبه هم از طولانی بودن متون خسته می شود.

۱۴. ظرفیت مختصرات برای استفاده در فناوری های نوین آموزشی

بزرگان ما دنبال ظرافت و دقت در فرایند آموزشی با استفاده از فناوری های روز بوده اند و گرنه متن قدیم و جدید که موضوعیتی ندارد. مهم این است که متن از عمق کافی برخوردار باشد و با ظرافت و دقت هر چه تمام تر فرایند آموزشی را تسریع کند تا در کمترین زمان دانش به متعلم منتقل شود. امروزه کتابهای زیادی نوشته شده است با عنوان مثلاً فلان علم در ۲۴ ساعت یا فلان علم در یک روز و نویسندگان متعددی می گویند که اگر متعلم با او همراه شود این کتاب خود آموز، آن دانش را در ۲۴ ساعت به او بیاموزد.

حضرت امام خامنه ای حفظه الله می فرمایند:

یکی از دوستان عزیز ما - که من واقعا خیلی هم خاطرش را گرامی می دارم - به من می گفت که این طور نمی شود که در حوزه جنس پلاستیکی درست کرد؛ باید مطول و بعد معالمان و بعد قوانین و بعد لمعه را با شرواحش از اول تا آخر مطالعه کرد. من به او گفتم که نمی گویم جنس از پلاستیک

درست کنید؛ بلکه می‌گوییم امروز در دنیا از جنسی که از آهن سخت‌تر است، صفحه‌یی نازکتر از

کاغذ درست می‌کنند؛ من می‌گویم این را درست کنید.^{۲۷}

آیت الله مکارم شیرازی نیز درباره کتب درسی فرموده اند:

باید همین کتابهای موجود بازسازی و نوسازی شوند.^{۲۸}

در غرب الان دنبال اختصار و استفاده از ظرفیت تصویر و حرکت در آموزش هستند، اینفوگرافیک ها(دانش نگاره ها) و موشن گرافیک ها (حرکت نگاری های آموزشی) سرعت آموزش را ده ها برابر کرده اند. دیروز اگر استاد باید کلی تلاش می کرد تا ما فی الضمیر خود را در قالب الفاظ به طلبه بفهماند امروز با یک نمودار تصویری یا حرکتی به راحتی آن مفهوم به طلبه و دانش آموز منتقل می شود. اینها ظرفیتهایی است که باید استفاده شود. امروزه می توان ۲۴ سال آموزش از ابتدایی تا دکترا را به گفته ی محققان غربی در ۶ سال با ابزارهای آموزشی جدید به متعلمان آموخت. مختصرات آموزشی قدیم ظرفیت بالایی در دنیای امروز هستند. اگر با تصاویر آموزشی و حرکت نگاری های آموزشی همراه شوند هر یک خود یک اینفوگرافیک و موشن گرافیک بالقوه هستند. حوزه خودش باید کتبش را ویراستاری، به روز نویسی و طراحی هنری کند و کسی از پس این کار بر نمی آید بس که اصطلاحات علمی حوزوی زیاد و فهم متون حوزوی مشکل است.

۱۵. عربی بهترین زبان برای مختصر نویسی

با توجه به ظرفیتهای زبانی فوق العاده ی زبان عربی هیچ زبانی برای مختصر نویسی بهتر از زبان عربی نیست و بهتر است بستر مختصرنویسی زبان عربی باشد.

^{۲۷} بیانات در روز نیمه شعبان در جمع علما و مدرسان و فضلاء حوزه ی علمیه ی قم، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۷۰

^{۲۸} مجله پیشبرد حوزه شمار ۳ و ۴ ص ۳۵

۱۶. مختصر و عمیق گویی سبک قرآن کریم و روایات

پرگویی و دراز گویی همواره در روایات شریفه مذموم بوده و سبک مورد استعمال قرآن کریم و روایات شریفه مختصر و موجز گویی در عین عمیق گویی است. انبیاء و ائمه علیهم السلام سردمداران اختصار گویی و عمیق گویی بوده اند و شواهد بسیاری از اقوال این بزرگواران در قرآن کریم و روایات شریفه قابل ارائه است. در تاریخ همیشه موجز گویی و مختصر گویی هنر بوده است و کلمات قصار و ضرب المثل ها خریدار داشته است و پرگویی و زیاده گویی منفور بوده است.

کم گوی و گزیده گوی چون در

تا ز اندک تو جهان شود پر

لاف از سخن چو در توان زد

آن خشت بود که پر توان زد^{۲۹}

۱۷. ایجاد حوصله برای نوآموز در جهت صبر بر سختی تعلم

در ورودی شهرها برا زوار نقشه توزیع می کنند. چرا؟ کسی که نقشه را نداند مدام می پرسد ما چرا آمدیم به این خیابان؟ بی خود آمدیم. چرا از آن خیابان نرفتیم؟ بی خود نرفتیم. باید نقشه و مسیر دست راهرو باشد تا نق نزند وگرنه اشکال کردن بر چیزی که خبر از آن ندارد برای انسان عادی است و حضرت موسی هم در جریان همراهی با حضرت خضر علیهما السلام چنین پاسخ شنید:

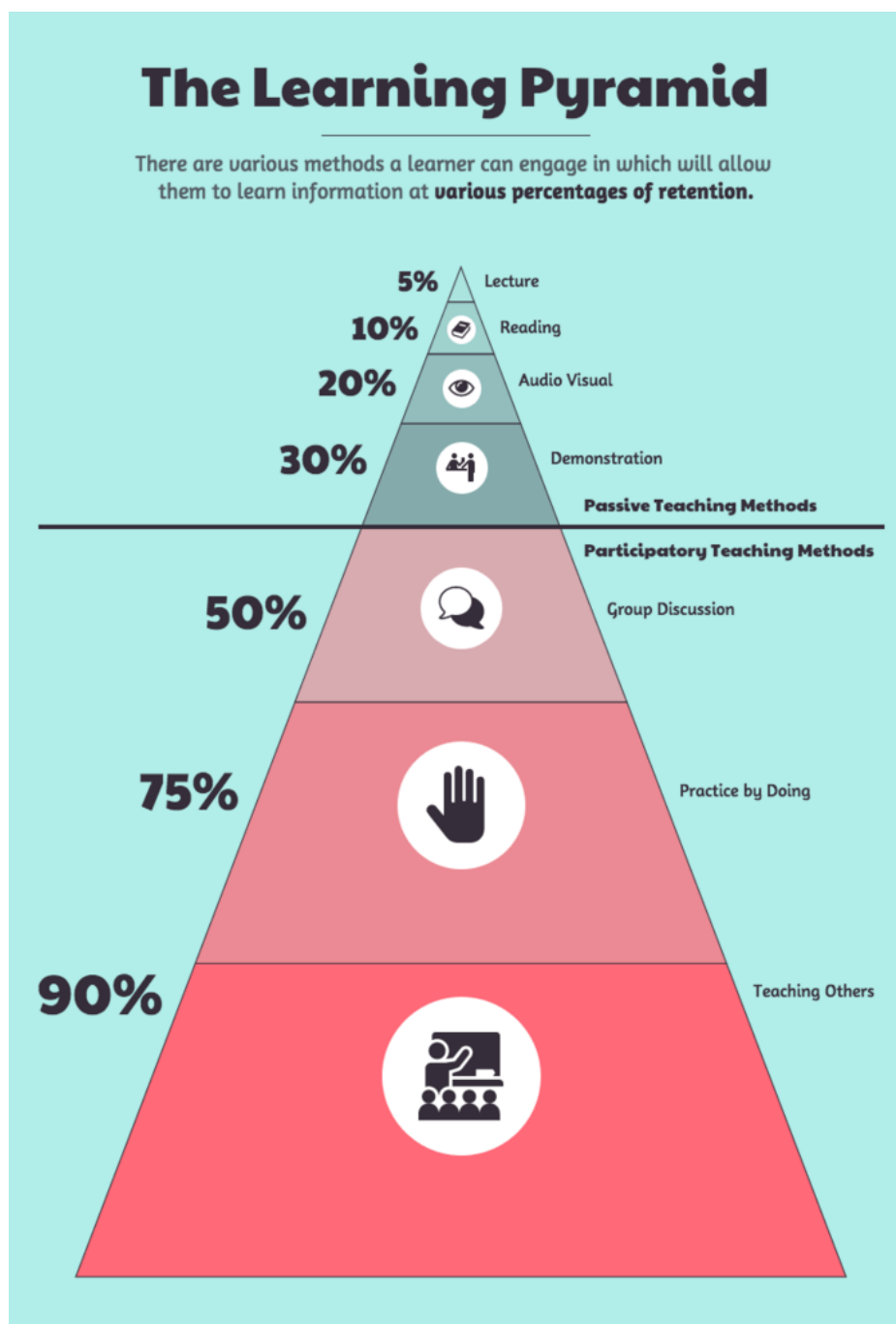
قال له موسی هل أتبعك علی أن تعلمن مما علمت رشدا (۶۶) قال إنك لن تستطيع معی صبرا (۶۷)

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خیرا (کهف ۶۸)

اگر متعلم کل علم را یکجا و سریع در آغاز ببیند راحت تر بر تعلیم آن صبر می کند زیرا علم و نگاه اجمالی به همه دارد و برای جزئیات می تواند حوصله به خرج دهد.

امروزه در غرب به این نتیجه رسیده اند که باید همه ی مطالب دروس را در یک پوستر اینفوگرافیکی جمع کنند تا از روش یادگیری تصویری که شصت درصد مردم با آن یاد می گیرند بتوانند به خوبی استفاده کنند.

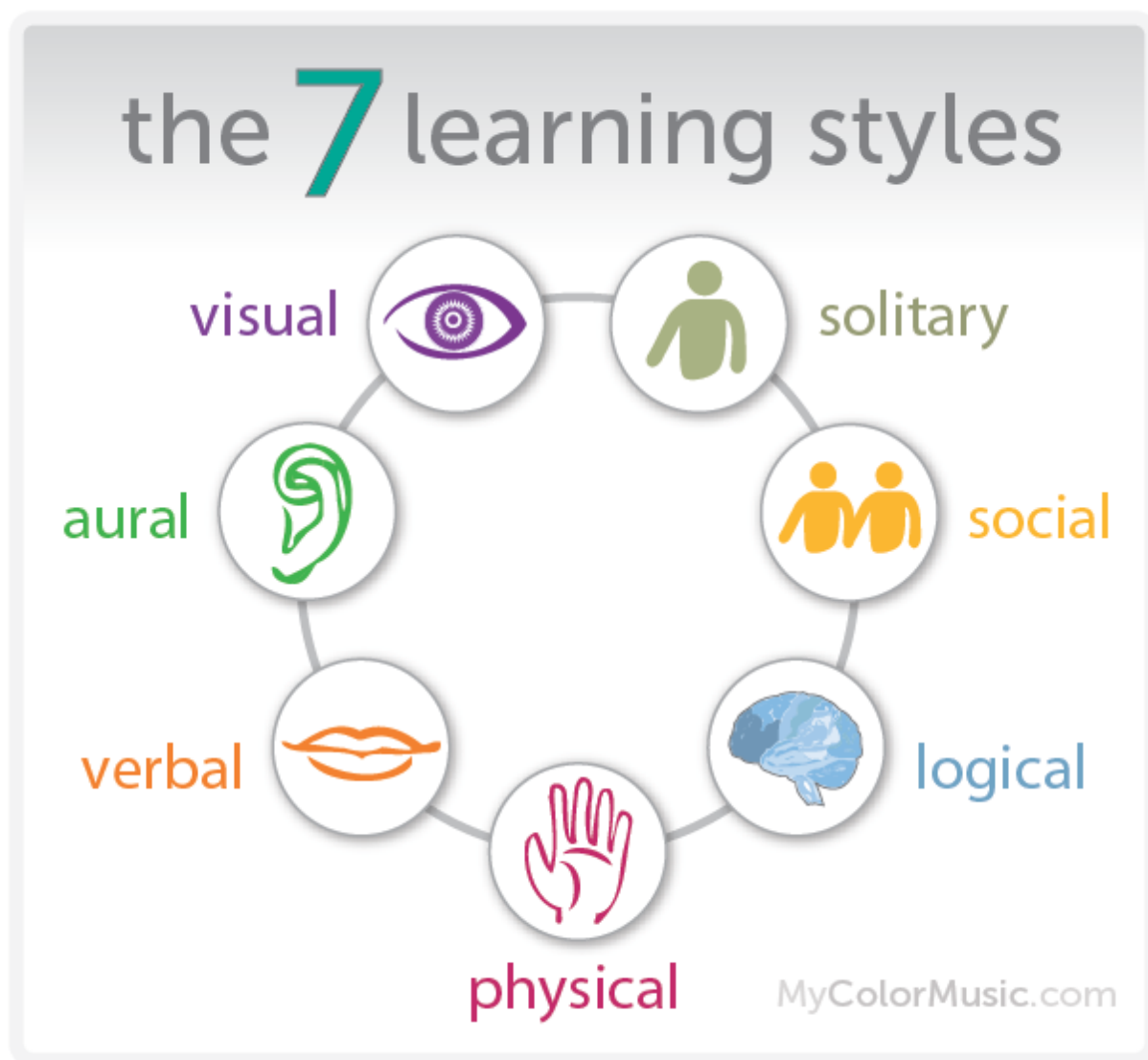
بیشترین میزان یادگیری در بحث و ارائه مطلب به دیگران رخ می دهد و هر چه متون موجزتر باشند فرصت برای تدریس آنها و بحث گروهی درباره آنها افزایش می یابد.



بزرگان ما از قدیم به ما یاد داده اند:

مطارحه ساعة خیر من تکرار شهر.^{۳۰}

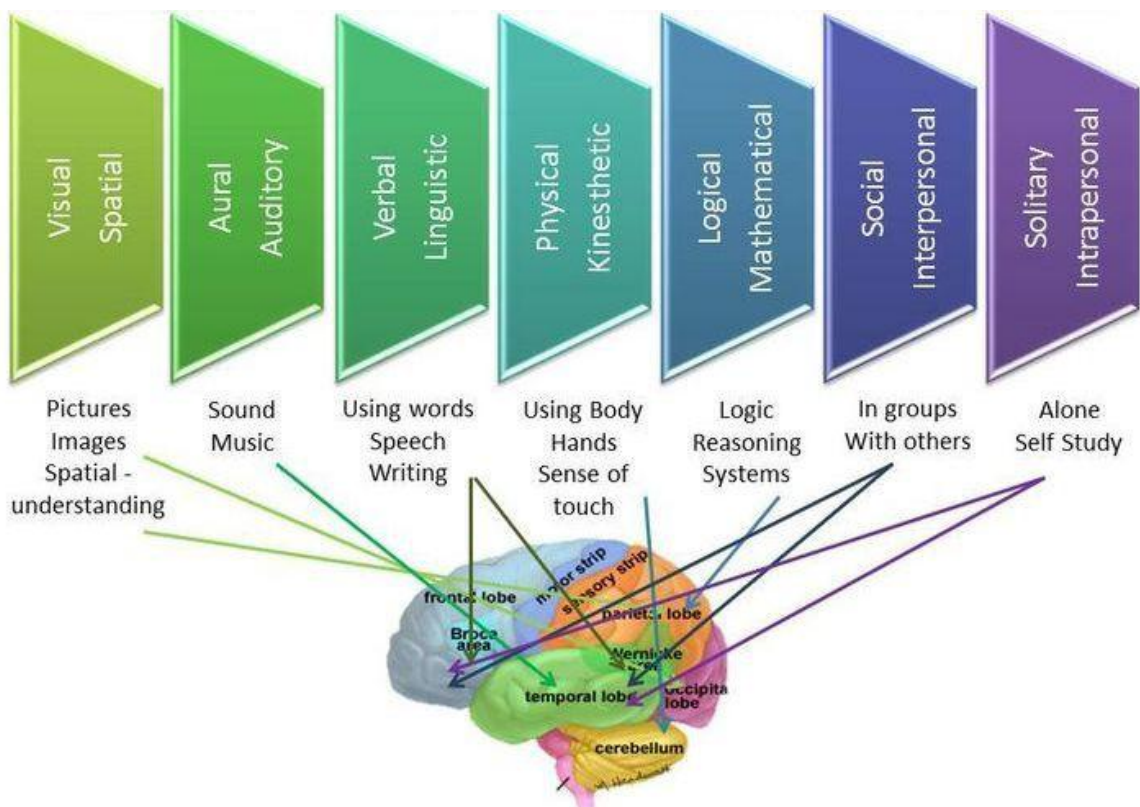
امروزه سبکهای یادگیری را به هفت سبک تقسیم می کنند.



بیشتر مردم سبک یادگیری تصویری دارند.

ویژگی ها یادگیری	سبک یادگیری
<ul style="list-style-type: none"> • ۶۵ درصد دارای این سبک یادگیری هستند • علاقه مند به یادگیری از طریق دیدن تصاویر، جداول، نمودارها، و فیلم هستند 	دیداری
<ul style="list-style-type: none"> • ۳۰ درصد دارای این سبک یادگیری هستند • دریافت اطلاعات از طریق صدا، دیالوگ ها و موسیقی را ترجیح می دهند 	شنیداری
<ul style="list-style-type: none"> • یادگیری از طریق انجام دادن، لمس کردن، حرکت و جنب و جوش را دوست دارند، از فعالیت گروهی استقبال می کنند، و علاقه مند به کشف و حل مسائل از طریق کار گروهی هستند. 	جنبشی

این که سبک یادگیری هر فرد چه سبکی است بستگی به قدرت بیشتر نواحی مغز او دارد:



بررسی مشکل اغماض ناشی از اختصار

مرحوم فارابی رحمه الله درباره علت غماض نویسی ارسطو در کتبش می نویسد:

السبب الذی دعا ارسطو الی استعمال الاغماض فی کتبه و العلة فی استعماله الاغماض، ثلاثة أشياء:
أحدها، استبراء طبیعة المتعلم هل یصلح للتعلیم أم لا؟
و الثانی، لئلا یبذل الفلسفة لجميع الناس، بل لمن یتحقها فقط.
و الثالث، لیروض الفکر بالتعب فی الطلب.^{۳۱}

درباره غامض نویسی نقل است:

ملا صدرا استاد خود- میر داماد- را پس از مرگ وی در خواب دید که از او می‌پرسید: سبب چیست که مردم مرا هدف تکفیر ساخته‌اند، در حالی که شما را هرگز تکفیر نکرده‌اند؛ گرچه مسلک و مشرب خاص مرا با مشرب شما تفاوتی نیست؟ میر داماد بدو پاسخ می‌گوید: این امر را موجب آن است که من مسائل فلسفی را به طرزی بیان داشته‌ام که فقها و متألهین رسمی را قدرت آن نیست که چیزی از آنها درک نمایند و جز یزدان‌شناسان حکیم کسی قادر به فهم آن مسائل نمی‌باشد. در صورتی که تو راهی بر خلاف طریقت من پیموده‌ای. تو مسائل فلسفی را چنان صریح و روشن بیان می‌نمایی که هر معلم ساده وقتی کتابهایت را مطالعه کند، می‌تواند از آن اطلاعات با خبر گردد. به همین جهت است که تو را در معرض تکفیر آورده‌اند، ولی در مورد من از هر ایذا و اهانتی عاجزند.^{۳۲}

امروزه دیگر با توجه به توسعه فضای رسانه‌ای و انتشار همه مطالب در شبکه‌های مجازی این استدلال‌ها قابل طرح نیست و مختص زمان‌های گذشته است. در این روزگار عمیق‌ترین مطالب علمی در اختیار همه هست ولی خود کثرت اطلاعات سبب شده که عوام از علوم ناب محروم بمانند و همچنان نیاز به استاد و راه بلد محسوس باشد. مثل این است که در گذشته گنج‌ها در زمین پنهان بود و برای دسترسی به آنها باید نقشه و نقشه‌خوان می‌داشتیم ولی امروزه گرچه همه مدل زیورآلات و گنج‌نماها روی زمین ریخته است اما اهل فن لازم است تا حرف طلایی را از حرف تقلبی و بدلی بفهمد. لذا گرچه انفجار اطلاعات وجود دارد اما در همین دریای اطلاعات هم کار هر کسی نیست که در و گوهر را از زخرف و اباطیل تشخیص دهد. هنر امروز این است که عمیق‌ترین مطالب

^{۳۱} المنطقیات للفارابی، ج ۱، ص: ۷ و ۸

^{۳۲} جذوات و مواقیت میرداماد، مقدمه، ص: ۳۶ و ۳۷

را عامه فهم کرد به گونه ای که کسی دچار کج فهمی و بدفهمی نشود و نتواند از دانش سوء استفاده کند یا کج فهمی اش موجب سوء رفتارش نشود.

در متون مختصر قدیم، اختصار فوق العاده در برخی موارد سبب اغماض شده است و طلاب بسیاری از پیچیدگی های عبارتی این متون شکایت دارند. در حالی که با کمی صرف وقت و کمک استاد این پیچیدگی ها به راحتی حل می شود و لذت حل معما در حین تحصیل کام طلبه را شیرین تر می نماید هر چند می توان با افزودن کلمات کمکی در درون قلاب این گیرهای عبارتی را هم رفع نمود و طلاب را آسوده خاطر نمود. گرچه این موارد نهایتاً کمتر از ده درصد این متون را تشکیل می دهد و باعث اغلاق و پیچیدگی موضعی آنها شده اند (مثل ان کان کالخلیل فکالخلیل در صمدیه) اما حق این نیست که به خاطر این اغلاق و پیچیدگی های محدود، خود را از چنین نعماتی محروم کنیم.

شایسته است اولاً برای انتقال بهتر مطلب و فهم راحت تر، این متون ابتدا به صورت نمودار درآیند تا طلبه عظمت کار نویسنده و هنر او را در ارائه ی نمودار گونه ی مطالب در اعصار پیشین را دریابد (مثلاً اینجا را ببینید : شاهکار ابن هشام در مغنی) و سپس موارد ده درصدی پیچیدگی هم با پیوست توضیحات موجز و عبارات درون کمانکی و درون قلابی ما بین متن، برای طلبه هموار شود تا در دست انداز این عبارات گیر نکند.

اما چرا در این کتب، نکاتی به ظاهر منفی مانند مواردی محدود از پیچیده گویی و معماگونه گویی دیده می شود:

دلایل پیچیده نویسی و مجمل نویسی در مختصرات:

۱. تمرین ذهنی طلاب و افزایش قدرت حل معمای طلاب

۲. کم شدن و کوتاه شدن مطلب و خلاصه گویی

۳. جلوگیری از فهم متون توسط افراد غریبه و نا اهل

۴. جلوگیری از ساده و عوامانه شدن مطالب و حفظ شان علمای دارای قدرت فهم آنها

۵. ضرورت درس خواندن به همراه استاد به دلیل انتقال ظرافت های خاص علم و تاکید روی

نقطه های مهم متن و همچنین ضرورت قرار گرفتن تحت تربیت انفسی استاد مهذب در عین

رشد علمی

اشکالات به پیچیده گویی و معماگونه گویی در برخی عبارات:

۱. چرا عموم را محروم کنیم از این علوم - آیا حسد و بخل نیست؟ برای فضل دنبال عمل به

علوم باشیم نه بخل علمی

۲. الان دیگر مجمل گویی به خاطر صرفه جویی معنا ندارد چون در یک هارد میلیونها صفحه

جا می شود و مشکل کاغذ و استنساخ وجود ندارد.

۳. تمرین ذهنی طلاب را بهتر است جداگانه مطرح کرد و با کلاسهای حل معماهای منطقی و

امثال آن پیگیری کرد زیرا چند کار را در یک متن پیگیری کردن باعث پیچیدگی و سر در

گمی طلبه و استفاده نکردن همه ی طلاب می شود.

۴. مجمل نویسی باعث می شود اختلاف و تفسیرهای مختلف بوجود آید و وقت طلاب صرف

این اختلاف برداشت ها شود...

چند پیشنهاد

ان شاء الله در آینده باید مختصرات ریاضی و علوم طبیعی را هم احیا نمود و حتی باید برای فیزیک

و شیمی و علوم جدید هم مختصر تدوین شود.

همچنین بهترین کار برای جمع شدن علاقه مندان به فقه حکومتی مانند فقه الاقتصاد و فقه الاجتماع و فقه الشعائر و امثال آن این است که مختصراتی برای این فقه ها تدوین شود تا محور بحث و کاوش های علمی حوزوی قرار گیرد.

اگر مختصرات اهل سنت را هم به زیبایی نموداری کنیم اولاً نشانه ی اشراف ما بر علوم آنهاست و هم باعث جذب قلوب علمای آنهاست زیرا سید القوم خادمهم و این خدمت است و هم باعث عظمت بیشتر ما در نگاه عوام آنهاست زیرا ما علوم علمای آنها را پیش برده ایم ولو در فن و هنر. از همه مهمتر هم اشراف سریع و راحت طلاب شیعه بر مبانی علمای اهل سنت و نقد سریع و راحت علوم آنها و آشنایی با گلوگاه های علمی آنهاست.

تهذیب و ارتقاء مختصرات

بالاخره برای نوشتن این درسنامه ها و اینطور خلاصه کردن مباحث کلی فسفر سوزانده شده و انسان عاقل از تلاش های دیگران استفاده می کند و هنر این است که این تراث بر اساس معیارهای عاقلانه ارزیابی و بعد تهذیب، تکمیل و تنظیم شود کما اینکه در مواردی توسط برخی افراد خوش فکر چنین کارهایی انجام شده است مثل متممة الآجرومية.

از جمله تهذیبهای لازم این است که مثلاً مثالهایی که اختلافات مذهبی در آنها هست مطرح نشود تا کتاب درسی فرقه های اسلامی در ادبیات و علوم مقدمات متحد شود و کم کم موجب وحدت بیشتر طلاب و علمای فریقین گردد ان شاء الله...

نکته ی دیگری که باید از متون حوزوی حذف شود رفتارهای قبیله ای در میان علمای حوزوی است. مثلاً سیوطی در جمع الجوامع می نویسد:

لا تطلق علی غائب وفاقاً للحریری و العسکری و ابن الشجری، و خلافاً للمعری،^{۳۳}

^{۳۳} جمع الجوامع فی النحو، النص، ص: ۱۳۴

این که نویسنده در اخذ نظر با کدام قبیله هم نظر و با کدام قبیله مخالف است مهم نیست که این قدر در کتب حوزوی خلافا و وفاقا داریم. آقا شما حرف حق را با استدلال و متین بزن حالا این که بشمارم در عالم که این نظر با کدام ها موافق است و با کدام ها مخالف اصلا سودی به حال علم و متعلم ندارد. صرفا سبب می شود که روز به روز حجم کتاب با افزایش مخالفان و موافقان نظریات افزوده شود.

طرح تکمیل بانک تراث درس نامه ای (مختصرات)

در ادامه جدولی از تراث و مختصرات درس نامه ای یافت شده خدمت عزیزان به همراه پیوند دانلود نسخه های ورد و وان نوت و همچنین نمودار درختی ایکس مایندی و پی دی اف آن تقدیم می گردد. لازم به ذکر است که این نمودارها توسط طلاب گروه طلبگی تا اجتهاد به عنوان یک کار تمرینی طلبگی انجام شده است و ممکن است در مواردی در آنها اشتباه هم وجود داشته باشد که ان شاء الله به کمک اساتید و شما فضلاء محترم در نسخه های بعدی اصلاح و و فایل جدید نسخه های بعدی جایگزین می گردد.

در نهایت برای آنکه ارزش این مختصرات را بدانید آماری از تعداد واژه ی این کتب هم در ادامه تقدیم می گردد.

لازم است ذکر شود متن این مختصرات با زحمات فراوان تهیه شده است و در برخی موارد از روی نسخه خطی حروف چینی و نموداری شده است لذا عزیزان طلاب غنیمت بشمارند. در صورتی که تراث درس نامه ای دیگری نیز می شناسید برای اضافه شدن و معرفی اطلاع دهید تا در صورت مناسب بودن اضافه شود.

در مواردی که هنوز پیوند دانلود وجود ندارد درس نامه مورد نظر در حال آماده سازی برای انتشار است و به زودی با انتشار متن اصلی پیوند آن در این مطلب هم فعال می شود. بیشتر درس نامه ها نمودارسازی شده اند و در فهرست انتظار برای انتشار هستند تا به مرور منتشر گردند. ان شاء الله به زودی درس نامه های جدید و امروزی این علوم هم معرفی خواهند شد. برای تشخیص مختصر از غیر مختصر یکی ظاهر و نوع رویکرد به ارائه مطالب رو باید در نظر گرفت که مطالب موجز و سرفصل وار ارائه شده باشه و یکی هم این که حجم مختصر کمتر از ده هزار کلمه باشه البته در چند مورد از مواردی که ارائه شده حجم بیش از ده هزار کلمه است که به دلیل اهمیت این کتب از این افزودگی چشم پوشی شده.

همکاری با طرح

اساتید و طلاب فاضلی که علاقه مند به تکمیل این مجموعه هستند می توانند در تصحیح و افزودن نکات توضیحی حداقلی برای رفع پیچیدگی های عبارتی و اصطلاحی همکاری نمایند و طبق نمونه ها بقیه ی موارد را تصحیح و تکمیل فرموده و برای گروه طلبگی تا اجتهاد بفرستند تا به نام خود این بزرگواران مجاهد منتشر شود.

اگر شما هم مختصر مفیدی سراغ دارید که در جدول ها نیامده معرفی بفرمایید و برای ما بفرستید در صورت مناسب بودن نمودارسازی شود ان شاء الله.

هر کدام از بزرگواران که وارد همکاری شدند خواهشای یک پیام ذیل این مطلب بفرمایند که اسمشون ثبت بشه در بخش در حال تصحیح که موازی کار نشه.

ضمناً رفقای که سلیقه هنری دارند و می توانند در زیباسازی نمودارها کمک نمایند اگر نسخه هنری از این اسکلت های اولیه تولید فرمودند بفرمایند تا به اسم خودشون در مطلب افزوده شود.

تشکر

تصحیحات و نکته گذاری هایی که تا کنون انجام شده همه به همت حضرت استاد شهاب الدین علائی نژاد حفظه الله بوده است. ایشان علاوه بر این که بزرگترین مشوق پیشبرد طرح بوده اند تا کنون بیش از ۲۰۰ ساعت برای تصحیح پیش نمودارها زمان بذل فرموده اند. سلامتی و موفقیت این استاد بزرگوار صلواتی عنایت بفرمایید.

کلمات کلیدی

#تراث

#مختصر

#درس نامه

#تحصیل_سنتی

#حوزه_علمیه

#متون_درسی

#دانلود

#نمودار